

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهپای انقلاب

سال چهاردهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۹

صفحه ۲۳۷ تا ۲۵۶

نقش سنت‌های الهی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مسعود جعفری نژاد / استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا (نویسنده مسئول) pegah220ja@yahoo.com

غلامحسین زارع / دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا ghzare36@yahoo.com

اسماعیل شفیعی / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا esmaeilshafiee@iaush.ac.ir

چکیده

آینده و تداوم انقلاب اسلامی ایران از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای، موضوع مقاله حاضر است. آیا این انقلاب، آنگونه که برینتون در کتاب کالبد شکافی انقلاب مطرح نموده، دچار واکنش بازگشتی خواهد شد و یا به حرکت خود براساس آرمانهای اولیه ادامه خواهد داد؟ در این مقاله، این انگاره را بررسی می‌کنیم که برخلاف نظریه‌های رایج، از نظر ایشان وقوع واکنش ترمیدوری در این انقلاب کاملاً محتمل است اما از طریق شناخت سنن الهی و عمل صحیح و به موقع به این سنن از سوی مسئولان، خواص و مردم، می‌توان با آن مقابله کرد. رویکرد مقاله توصیفی - تطبیقی بوده و از نظریه روند انقلاب‌های برینتون به عنوان مبنای نظری پژوهش استفاده شده است. در تعریف مفهوم «سنن الهی» از نظریه محمدباقر صدر و در بیان دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای به بیانات شفاهی معظم له استناد شده است.

کلیدواژه: سنت‌های الهی، آیت الله خامنه‌ای، محمد باقر صدر، کرین برینتون، تداوم انقلاب اسلامی، واکنش ترمیدوری، آینده پژوهی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۷/۲۱

مقدمه

انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه عطف تحولات سیاسی اجتماعی ایران معاصر و یکی از بزرگ‌ترین رخداد‌های جهان کنونی، چالش‌های زیادی را در حوزه نظر و عمل در اندیشه‌های علوم سیاسی و انقلاب پدید آورده است که یکی از مهم‌ترین چالش‌ها آینده این انقلاب است. آیا این انقلاب با همان مبانی و سمت و سوی آغازین به حرکت خود ادامه می‌دهد و یا اینکه مانند سایر انقلابات مطرح جهان نظیر انقلابات فرانسه، انگلستان، آمریکا، روسیه و چین به راهی متفاوت از راه آغازین منحرف می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش گروهی معتقدند که واکنش ترمیدوری، حرکت جبری تاریخ و حتمی الوقوع است و مانند سایر انقلابات این واکنش در انقلاب ایران نیز رخ می‌دهد و در مقابل عده‌ای معتقدند که این انقلاب چه از لحاظ ماهیت و چه از لحاظ تاکتیک و چه از نظر شرایط ویژه محل وقوع یعنی کشور شیعی ایران با دیگر انقلابات متفاوت و حتی قیاس ناپذیر است و واکنش ترمیدوری در آن ممتنع الوقوع می‌باشد. از آنجا که دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان رهبر فعلی این انقلاب و همچنین به عنوان اندیشمند واجد اهمیت بسیار در این مورد است لذا مقاله حاضر به بحث در خصوص دیدگاه ایشان اختصاص یافته و دو سوال مرتبط را مطرح می‌سازد که از نظر معظم له امکان وقوع واکنش ترمیدوری در انقلاب ایران چگونه است و راه مقابله با آن چیست؟

۱- ترمیدور یا واکنش دوری انقلاب‌ها

مقوله بازگشت انقلاب‌ها به شرائط پیش از انقلاب با نام کرین بریتون و کتاب پرآوازه اش یعنی "کالبد شکافی چهار انقلاب" در پیوند است. هرچند باید اذعان کرد که برخلاف نظر رایج در متون فارسی، بریتون قائل به حرکت بازگشتی مطلق انقلاب‌ها نیست و در فهم نظر بریتون دقت لازم در متون فارسی به عمل نیامده اما به هر حال موضوع حرکت بازگشتی انقلابات در نظر بریتون جایگاه مهمی دارد (شبان‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۲۹)

در زمانی که بریتون می‌زیست نگرش "جبر گرایانه" نگرش غالب بر جامعه شناسی سیاسی بود که بر اساس آن حرکت اجتماع محکوم به قواعدی جبری است که از آنها گریزی نیست. و بهترین راه شناخت این قواعد مطالعه تاریخ و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌ها در وقایع نسبتاً مشابه است. بریتون در اثر مشهورش چهار انقلاب انگلیس، آمریکا، فرانسه و روسیه را به بحث می‌گیرد تا وقایع تکراری در روند این انقلابات را تعیین و از درون آن قواعد

حرکت تاریخی انقلابات را کشف کند. (معینی پور و غرسبان، ۱۳۹۸: ۴۷۶) بریتون با بررسی این چهار انقلاب به این نتیجه می‌رسد که همه این انقلابات در یک واکنش چرخشی که او از آن به عنوان واکنش ترمیدوری یاد می‌کند از جهاتی به شرایط قبل از انقلاب بازگشته اند. واژه «ترمیدور» که کلیدواژه نظریه اوست، در حقیقت برگرفته از نام یکی از ماه‌ها در تقویم انقلاب فرانسه است که در نهمین روز این ماه یعنی ۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ روبسپیر رهبر انقلابی رادیکال‌ها و یاران پاکدامنش به زیر تیغ گیوتینی رفتند که خود با آن سرهای بسیاری را از تن جدا کرده بودند. این واقعه نقطه شروعی برای نظریه ترمیدوری بریتون شد. به گمان او انقلابها در سیر تحولات خود پس از مراحل سرنگونی رژیم قبلی، حکومت دوگانه و سپس عصر وحشت و پاکدامنی وارد مرحله ترمیدوری می‌شوند. این مرحله که در واقع دوران نفاقت پس از انقلاب است زمانه بازگشت به ارزشهای رژیم پیشین و حذف رادیکال‌ها از عرصه قدرت است و به تعبیری دورانی است که انقلاب فرزندان خود را می‌بلعد. وی معتقد است این مراحل در هر چهار انقلاب فوق رخ داده است. هرچند جزئیات این روند در انقلابهای مختلف متفاوت است اما بریتون اشتراکاتی را در همه آنها پیدا می‌کند. (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹: ۶۸۰)

نخستین ویژگی مشترک انقلابات در این مرحله، نزول آرمانهاست. آرمان از بلندای خویش به پائین کشیده می‌شود گرچه هنوز عبارات بزرگ به گونه ای منجمد در شعائر وجود دارند اما در عمل کسی به دنبال این شعارها نیست. ظهور طبقه حاکم جدید ویژگی مشترک دیگر انقلابات است. این طبقه حاکم جدید در فکر تامین آزادی و برابری و برادری نیست بلکه به دنبال منافع خود است. آن تقوا و پارسائی عصر ترور کنار می‌رود و طبقه جدید آشکارا بر این گرایش دارد که از زندگی لذت ببرد و از مزایا و نعمتی که هر طبقه حاکمه ای تاکنون داشته بهره مند گردد. (بریتون، ۱۳۸۵: ۲۴۸)

در دوران ترمیدور فقیران و تهیدستان به حال خود رها می‌شوند. زمانی که ترمیدوری‌ها در فرانسه تثبیت قیمت‌ها و جیره بندی غذا را رها کردند قیمت‌ها سخت بالا رفت و ارزش پول بسیار کم شد و بینوایان در درمانده ترین وضع گذاشته شدند. جامعه در لذات زندگی مادی غرق می‌شود. آن روحیه انقلابی و ایثارگری جای خود را به خوشگذرانی می‌دهد و در پوشاک و سرگرمی‌ها و جزئیات روزانه مردان و زنان عادی، گستره وسیع متارکه همگانی تقوای دوران پاکدامنی آشکار می‌شود. (بریتون، ۱۳۸۵: ۲۵۸)

مردم عادی از صحنه حذف می‌شوند. مردم کوچه و بازار دیگر در صحنه نیستند. به آنها نقش تماشاگر عادی و یا سیاهی لشکر واگذار می‌شود. از توسل مستقیم و خطرناک به مردم برای حل مسائل قدرت خبری نیست و از مخاطره خیزش‌های همگانی بزرگ اجتناب می‌شود. (بریتون، ۱۳۸۵: ۲۴۸)

آخرین و مهم‌ترین بازگشت از نظر بریتون: استقرار نهائی یک خودکامه و یک فرمانروای غیر قانونی است. دیکتاتوری‌ها و انقلابات سخت به هم وابسته اند، چون انقلابها رسوم و عاداتی که انسانها را در یک جامعه به هم می‌پیوندند را درهم می‌شکنند و برای درمان ناکارآئی حاصل از درهم شکستن پیوندها باید از زور استفاده کرد. حکومت کرامول، بناپارت و استالین مهر تاییدی بر این یکنواختی است. (بریتون، ۱۳۸۵: ۲۴۳)

۲- انقلاب ایران و واکنش ترمیدوری: دو دیدگاه مخالف

آیا انقلاب ایران نیز سرنوشتی مشابه انقلابات مورد بررسی بریتون خواهد داشت؟ در این خصوص دو دیدگاه مختلف وجود دارد. دیدگاه اول که اغلب از سوی مخالفین این انقلاب مطرح می‌گردد این است که این انقلاب نیز مانند سایر انقلابات محکوم به واکنش ترمیدوری است و قهرا همان پیش‌بینی بریتون اتفاق افتاده و یا می‌افتد. انسداد سیاسی و حذف مردم و نخبگان از صحنه، ایجاد یک گروه محدود به عنوان طبقه حاکمه و فساد گسترده مالی و اخلاقی در آن، رواج لذت‌جویی و خوشگذرانی و دنیاخواهی در بین مردم به جای معنویت او ان انقلاب، فقر گسترده و رهاشدن تهیدستان به حال خود از مواردی است که این گروه به عنوان شاهد بر مدعای خود ذکر می‌کنند. به عنوان مثال مرحوم مهدی بازرگان که خود روزی در عداد رهبران این انقلاب به شمار می‌رفته در کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» ضمن تلخیص نظر بریتون و درج آن در قسمت پایانی، با نگاهی بدبینانه حرکت انقلاب را به سوی عقب‌تلقی می‌کند. مهدی بازرگان در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۷۲ و در اواخر عمرش می‌گوید «ملت ایران و بسیاری از مسلمانان جهان حالت خسرال‌دنیا و الآخره را پیدا کردند؛ هم گرفتار رنج‌های شدید دنیا از جهات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نظامی هستند و هم ایمان محکم به خدا و آخرت و امید نجات و سعادت ابدی را از دست داده‌اند. (بازرگان، ۱۳۷۲: ۱۱)

در مقابل گروه دوم که اغلب از طرفداران این انقلاب هستند با اشاره به هویت انقلاب معتقدند که این انقلاب دچار واکنش ترمیدوری نخواهد شد و مشکلات پیش آمده مانند

فقر و فساد مالی و اخلاقی که تلقی واکنش دوری از آن می‌شود توطئه دشمن خارجی و یا داخلی است و این انقلاب به دلیل ماهیت دینی خود و اینکه در کشوری شیعه مذهب رخ داده این مشکلات را به سادگی پشت سر خواهد گذاشت و در توجیه دلایل خود به عواملی چون رهبری دینی، آموزه‌های انقلابی شیعه و روح مبارز و عدالت جوی آن استناد می‌کنند. به عنوان مثال منوچهر محمدی نویسنده کتاب "تحلیلی بر انقلاب اسلامی" و "مقایسه انقلاب ایران و فرانسه و روسیه" با خوش بینی این انقلاب را از لحاظ علت و روند متفاوت از دیگر انقلابات دانسته و نگرانی چندانی در خصوص حرکت بازگشتی ندارد:

حضور وسیع و تاریخی توده‌های مردم در مراسم تشییع جنازه رهبر انقلاب، سرعت عمل مجلس خبرگان در انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی که مدیون مجاهدتها و تلاش خستگی ناپذیر امام در طول ده سال اول انقلاب بود و همه پیش بینی‌ها برای چنین روزی شده بود بار دیگر دشمنان انقلاب اسلامی را مایوس و دل دوستان انقلاب را شاد کرد و ثابت کرد که حفظ ارزشهای اسلامی و رعایت تقوای الهی فوق همه اختلاف نظرها و جناح بندیها است. و همان طور که گفته شد تا چنین معیارهایی بر جامعه حکمفرما باشد خطر دیکتاتوری قویا غیر محتمل است. (محمدی، ۱۳۷۴: ۳۱۹)

۳- واکنش ترمیدوری در انقلاب ایران: دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای

اکنون به طرح یکی از دو سوال اصلی مقاله می‌پردازیم. آیا از نظر رهبر انقلاب احتمال واکنش ترمیدوری چه اندازه است؟ در بادی امر به نظر می‌رسد که معظم له وقوع واکنش ترمیدوری در انقلاب اسلامی را قبول ندارند:

انقلاب با قدرت و با نشاط دارد پیش می‌رود؛ چهل سالگی انقلاب دوران پیری انقلاب نیست، دوران عقب‌گرد انقلاب نیست، دوران پختگی و نشاط انقلاب است. انقلاب در چهل سالگی، بحمدالله با قدرت، با حفظ شعارها و با برافراشته بودن پرچمهای اصلی، همچنان دارد به پیش می‌رود. (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۳/۱۴)

و در جای دیگری می‌فرمایند: «انقلاب اسلامی با قدرت و قوت به پیش می‌رود و ممکن است برخی از اشکالات هم وجود داشته باشد، اما عده‌ای تلاش دارند تا بگویند این قطاری که پر قدرت در حال حرکت است، از خط خارج شده و یا در حال عقب‌گرد است، در حالی که این گونه القائات خلاف واقع است.» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۲۴)

ایشان در بیان دیگری به نظریه کرین بریتون اشاره کرده و ویژگی‌های موجود در انقلاب اسلامی ایران که مانع وقوع ترمیدور می‌شود را یادآوری می‌کنند: «یک واقعیت شگفت‌آوری در انقلاب ما وجود دارد که این انقلاب را یک حالت استثنایی می‌بخشد و آن این است که در قوانین علوم اجتماعی درباره انقلاب‌ها، می‌گویند انقلاب‌ها همچنانی که یک فرازی دارند، اوجی دارند، یک فرودی هم دارند ... آن قوانین می‌گویند تا وقتی شور و انگیزه انقلابی در مردم هست، انقلاب‌ها به سمت جلو حرکت می‌کنند، اوج می‌گیرند، بعد هم به تدریج این شور و هیجان و این عامل حرکت به پیش، کم می‌شود و در مواردی تبدیل به ضد خود می‌شود؛ انقلاب‌ها سقوط می‌کنند و برمی‌گردند پایین. انقلاب‌های بزرگ دنیا که در تاریخ دوست سال اخیر ما اینها را می‌شناسیم، بنا بر همین تحلیل، همه با آن نظریه قابل انطباق هستند؛ اما انقلاب اسلامی از این تحلیل جامعه‌شناختی به کلی مستثناست. در انقلاب اسلامی پادزهر فرود انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است بارها عرض کرده ایم که تجسم انقلاب در «جمهوری اسلامی» و در «قانون اساسی جمهوری اسلامی» است. نویسندگان قانون اساسی که از نظر امام و مکتب امام درس گرفته بودند، در خود این قانون عامل تداوم بخش انقلاب را گذاشته‌اند: پایبندی به مقررات اسلامی و مشروعیت بخشیدن به قانون، مشروط بر اینکه بر طبق اسلام باشد؛ و مسأله رهبری». (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۴/۱۴)

به‌رغم نکات امید بخش که در سخنان فوق و سخنان دیگر ایشان تکرار شده و البته امید بخشی "لازمه شان رهبری هر نظام انقلابی است، دقت در سخنان دیگر ایشان نشان می‌دهد که خطر «حرکت بازگشتی» را به هیچ وجه دست کم نمی‌گیرند. خطری که چه بسا تا حد قابل توجهی نیز محقق شده باشد. ایشان بر اساس رویکرد تاریخ‌اندیشانه خاص خود، با مطالعه تاریخ نهضت پیامبر و انحرافات پس از رحلت رسول عظیم‌الشان اسلام (ص) و بازگشت سنن جاهلی و سربرآوردن دو حکومت اموی و عباسی به تقلید از امپراطوری‌های روم و ایران و فرو رفتن نخبگان و توده مسلمین در آمال و لذت‌های دنیوی و مقایسه این روند با انقلاب امام خمینی و همچنین توجه به حوادث انقلابات جهان، آفات و خطراتی را برای این انقلاب متصور می‌شوند که شباهت بسیاری به ویژگی‌های ترمیدوری بریتون دارد. البته ایشان به شیوه مورد تاکید خود، به جای استفاده از لفظ «ترمیدور» از لفظ فارسی «ارتجاع» استفاده می‌کنند: «در قرآن کریم، حقیقت تلخی مطرح شده است که اگر بخواهیم

اسمی برایش بگذاریم، می‌توان اسم آن را «ارتجاع»، یعنی رجعت به عقب، یا «ارتداد»، یعنی برگشتن، عقبگرد، خسران و از دست دادن دستاوردها گذاشت. راجع به این مقوله، در قرآن، حدیث و تاریخ، صحبت شده است. این مقوله، متأسفانه به جوامع و ملت‌هایی مربوط است که در بهترین حالات معنوی و الهی هستند. یعنی به مردم دوران جاهلیت مربوط نیست، بلکه به مردم دوران اسلام مربوط است. یک بیماری است که مخصوص کشورها و ملت‌هایی است که با حرکتی عظیم، یک قدم به جلو برداشته‌اند و به تعبیر امروز، انقلاب کرده، به جایی رسیده و خود را به خدا نزدیک کرده‌اند. به تعبیر دیگر، آن بیماری، مخصوص کسانی است که خدای متعال به آنان انعام کرده است. همه انقلاب‌های بزرگ تاریخ.. مثل انقلاب فرانسه، مثل انقلاب روسیه.. آفریقا و آمریکای لاتین و جاهای دیگر.. تقریباً بدون استثنا در سال‌های اول عمر خودشان به این بله دچار شدند؛ اینکه چهل سال بگذرد و شعارهای انقلاب دست نخورد، تکان نخورد، در هیچ کدام از این انقلاب‌ها وجود ندارد؛ ما توانستیم این شعارها را حفظ کنیم. اما خطرناک است؛ من وظیفه دارم خطر را به مردم عزیزمان بگویم.» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹)

هر انقلابی در خطر حرکت بازگشتی است و انقلاب ایران نیز در معرض همین خطر قرار دارد. خطری که نیاز به مراقبت جدی دارد: «نقطه مقابل انقلاب، ارتجاع است. خیلی از انقلاب‌های دنیا مبتلا به ارتجاع شدند؛ یعنی بعد از آنکه پنج سال، ده سال، پانزده سال از شروع انقلاب گذشت، به خاطر بی‌اهتمامی‌هایشان مبتلا شدند به ارتجاع، به عقب‌گرد؛ این ارتجاع، نقطه مقابل انقلاب است. و هر دو - یعنی هم پیشرفت انقلابی، هم پسرفت به معنای ارتجاع - بستگی دارد به اراده انسان‌ها؛ انسان‌ها اگر چنانچه درست حرکت نکنند، درست پیش خواهند رفت؛ اگر چنانچه غلط حرکت نکنند، پسرفت خواهند داشت... ما بایستی بشدت مراقبت می‌کردیم و مراقبت بکنیم که به این حالت دچار نشویم.» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴)

اشرافی‌گری، فراموشی فقرا، تکیه به خارجی‌ها و حذف نظارت مردمی از مواردی است که برای انقلاب خطرناک است: «ما اگر به سمت اشرافی‌گری حرکت کردیم،.. اگر به جای توجه به طبقه ضعیف، دل‌سپرده طبقات مرفه و زیاده‌خواه در کشور شدیم،.. اگر به جای تکیه به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت در سمت ارتجاع است؛ این نباید اتفاق بیفتد. نخبگان جامعه.. مدیران جامعه باید حواسشان باشد. به

شدت مراقبت کنند، مردم هم نگاه کنند، با حساسیت دنبال کنند رفتار ماها را، رفتار مدیران را؛ با حساسیت. ارتجاع وقتی اتفاق می‌افتد، .. همان آدمهای انقلابی سابق سر کارند اما خط را .. راه را عوض کرده‌اند؛ کانه انقلاب شده بود برای اینکه آنها بروند و ما بیاییم سر کار! برای این که انقلاب نشد؛ انقلاب یعنی دگرگونی، انقلاب یعنی تغییر مسیر، انقلاب یعنی یک هدفهای والائی را در نظر گرفتن و به سوی آنها حرکت کردن؛ اگر از این هدفها فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست.» (آیت ... خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹)

دقت در سخنان فوق شباهت عجیبی بین نظر آیت الله خامنه‌ای و بریتون را آشکار می‌کند. محتمل الوقوع بودن و خطرناک بودن حرکت بازگشتی، نزول آرمانها و شعارها، ایجاد طبقه اشرافی و فراموش شدن فقیران، به حاشیه راندن شدن مردم کوچه و بازار، فراموش شدن رسالت صدور انقلاب، غیر انقلابی شدن طبقه حاکمه و نظائر آن که در این سخنان بیان شده، دقیقا همان پیش بینی بریتون است. شباهت عجیبی بین این دو اندیشمند متفاوت، یکی کاملاً محافظه کار و دیگری کاملاً انقلابی وجود دارد. اما وجه تفاوت در کجاست؟

۴- سنن الهی یا قواعد تاریخ: تعارض بنیادین

تا این قسمت از مقاله این نتیجه رسیدیم که نظر آیت الله خامنه‌ای و بریتون در خصوص واکنش ترمیدوری شباهت بسیار دارد که احتمالاً ریشه این شباهت، در "روش شناسی مشترک" است. روش شناسی مشترک دو اندیشمند مبنی بر لزوم مطالعه تاریخ و تطبیق وقایع با هم و عبرت گیری از آن باعث شده که هر دو به این نتیجه برسند که خطر بازگشت به شرائط گذشته، هر انقلابی را تهدید می‌کند. اما آنچه این دو را از هم متمایز می‌کند تفاوت بنیادین در "هستی شناسی" است که سبب می‌گردد اولی قائل به چاره ناپذیری و در نتیجه بدبینی به نتایج انقلابات و دومی قائل به چاره پذیری و خوش بینی به آینده انقلاب باشد. راز این تفاوت هستی شناسانه در تمایز دو مفهوم ظاهراً مشابه اما باطناً متفاوت "قوانین تاریخ" و "سنن الهی" نهفته است.

مفهوم "قوانین تاریخ" اساساً یک مفهوم مدرن و مربوط به دوران هژمونی اثبات گرایی است. (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۳۰) در علوم انسانی جدید سوالی بنیادین مطرح است که آیا زندگی اجتماعی و تحولات تاریخ بشر امری تصادفی است و یا اینکه مانند امور طبیعی از قواعد و قوانینی تبعیت می‌کند و اگر چنین است این قواعد و قوانین کدامند و منشا آنها از کجاست؟ (بلیکی، ۱۳۹۱: ۳۲) در دوران مدرن و قبل از آنکه خیزش پست مدرنیسم در نیمه

دوم قرن بیستم دستاوردهای اثبات گرایانه علوم اجتماعی مدرن را به چالش بکشد و وجه دوم بر مطالعات اجتماعی غلبه داشت. پارادایم حاکم این بود که بر تاریخ اجتماعی قواعدی حاکم است که مانند یک ماشین، زندگی بشر را به آینده ای مشخص سوق می دهد. خاستگاه این قوانین، طبیعت بشر و اجتماع بشری است و انسانها به صورت ناآگاهانه و غیر ارادی تحت سلطه این ماشین اجتماعی به پیش می روند. (روستا، ۱۳۹۸: ۸). برینتون به عنوان یکی از پیروان اثبات گرایی با مطالعه تاریخ انقلابات تلاش کرده مشترکاتی بین آنها بیابد و با این رویکرد به این نتیجه رسیده که انقلابها به صورت قهری مسیری معین را طی می کنند، هرچند برخلاف مشهور، وی بر خطاپذیری و استثنا پذیری نظر خود تاکید دارد (برینتون، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

برخلاف این دیدگاه جبرانگار، متفکران مسلمان نیمه اول قرن بیستم در مقابله با جامعه شناسی پوزیتیویستی و علی الخصوص نظریه مارکسیستی به عنوان سرآمد نظریات انقلابی که از جاذبه بسیاری خصوصا در بین جوانان برخوردار بود، با الهام از آیات قرآن به پردازش مفهوم "سنن الهی" به عنوان بدیل اسلامی "قوانین تاریخ" قیام کردند. این متفکرین قانونمندی اجتماع و تاریخ را پذیرفتند اما با الهام از آموزه های توحیدی قرآن و همچنین مسئول بودن بشر که اختیار انسان شرط ضروری آن است سه تغییر مهم در آن ایجاد کردند. اولاً منشا این قوانین را الهی دانستند. ثانيا ماهیت این قوانین را صرفا به قوانین طبیعی و محسوس محدود نموده و قوانین ماورالطبیعه را نیز بر آن افزودند و ثالثا این قوانین را به دو دسته حتمی و مقید تقسیم کردند تا جایگاه اراده اجتماعی بشر را تثبیت نمایند. به این صورت که تحقق "سنن مقید الهی" مانند سنت توفیق، سنت نصرت الهی، سنت امداد و نظائر آن حتمی الوقوع نبوده و مشروط به اقداماتی آگاهانه از طرف جامعه انسانی می باشد. محمدباقر صدر درباره سنن الهی می گوید: «سنن الهی روابطی کورکورانه نیست، وصفی ثابت و غیر قابل تخلف دارد و عمومیت و کلیت این این قوانین، سنن تاریخ را جنبه علمی می بخشد؛ زیرا قوانین علمی مهمترین امتیازش این است که فراگیر است و کلیت دارد و قابل تخلف نیست. عمومیت حقیقتی که قرآن روی آن تأکید دارد، خدایی بودن این سنتها است. سنن تاریخی ربانی است؛ یعنی مربوط به خداست (سنه...) است و به تعبیر دیگر کلمات... است؛ یعنی هر قانونی از قوانین تاریخ (کلمه...) است، یک قاعده الهی است. این برای پرورش اندیشه وابستگی انسان به خداست؛ یعنی حتی وقتی انسان می خواهد از طبیعت برخوردار شود

به (کلمه ...) وابسته است. به عبارت دیگر موقعی می‌تواند از نظم کامل جهان در میدان‌های مختلف قوانین و سنت‌های حاکم بر طبیعت برخوردار باشد که از خدافاصله نگیرد. زیرا خداوند قدرتش را از خلال همین سنت‌ها اعمال می‌کند این سنت‌ها و قوانین اراده‌اند (...). اند و حکمت و تدبیر او را در عالم تجسم می‌بخشند. ممکن است گفته شود که رابطه غیبی و الهی علم تاریخ باعث می‌شود که تاریخ از بررسی‌ها و تحلیل‌های علمی خارج شود. در صورتی که قرآن حادثه تاریخی را رنگ غیبی به آن نمی‌بخشد تا آن را از روابط دیگرش قطع کند و مستقیماً به خدای مربوط می‌سازد. قرآن رابطه با خدا را به جای رابطه علت و معلول نمی‌نهد بلکه سنت تاریخی را به خدا مربوط می‌سازد. (صدر، بی‌تا: ۱۴۱)

ظاهراً آیت الله خامنه‌ای نیز همین نظر را پذیرفته و به کار بسته‌اند: «سنت خدا یعنی قوانین الهی، قوانینی وجود دارد در عالم وجود. این قوانین مثل قوانین طبیعی، مثل قانون جاذبه، قانون ستارگان و آمد و رفت ماه و خورشید در شبانه‌روز، این‌ها قانون طبیعی است، همین جور قوانینی در جوامع انسانی وجود دارد... وقتی که ما زمینه این قوانین را به دست خودمان فراهم کردیم، خدای متعال قانون را محکم می‌کند، آتش سوزندگی دارد. باید شما زمینه را فراهم بکنید، آتش را روشن کنید، آتش خواهد گرفت، زمینه را فراهم بکنید، قانون طبیعی کار خودش را خواهد کرد، باید زمینه را فراهم کرد.» (آیت ... خامنه‌ای ۱۹/۱۰/۱۳۹۴)

البته از نظر ایشان، بسیاری از این سنن، برخلاف قوانین تاریخ جامعه شناسی پوزیتیویستی، مقید به اراده انسان هستند: «هم پیشرفت، هم پسرفت بستگی دارد به اراده انسانها. انسانها اگر چنانچه درست حرکت بکنند، درست پیش خواهند رفت؛ اگر چنانچه غلط حرکت بکنند، پسرفت خواهند داشت، در سوره مبارکه رعد [میفرماید]: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ یعنی وقتی که شما تغییرات مثبت در خودتان ایجاد کردید، خدای متعال هم برای شما حوادث مثبت و واقعیت‌های مثبت را به وجود می‌آورد. دوّمی در سوره انفال است: ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَم يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. اگر چنانچه خدا نعمتی به یک ملت داد و این ملت درست حرکت نکردند، خداوند این نعمت را از اینها می‌گیرد. شما در دعای کمیل هم می‌خوانید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ؛ (۳) این تغییر نعمت، یعنی سلب نعمت، چیزی است که ناشی از اراده است. ما بایستی بشدت مراقبت می‌کردیم و مراقبت بکنیم که به این حالت دچار نشویم.» (آیت ... خامنه‌ای، ۱۴/۳/۱۳۹۹)

۵- سنن الهی و کاربست آن توسط آیت الله خامنه‌ای

وقوع خیره کننده انقلاب اسلامی و پیروزی باورناپذیر و غیر عادی آن که به قول احمد نقیب زاده "هیچ کس به درستی ندانست چه شد و این تحول از کجا آمد" (عشقی، ۱۳۹۵: ۹)، فضای لازم برای پذیرش این معنا را فراهم آورد که دست الهی رژیم شاه را سرنگون کرده است و از آن پس مفهوم سنن الهی از حصر کتابها و مباحث دینی خارج و به عنوان مفهومی کلیدی و بنیادین در گفتمان انقلاب اسلامی به کار گرفته شد و امروزه نیز به عنوان ضامن تداوم این انقلاب، خصوصا در شرائط سخت، به کار گرفته می‌شود. حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز به صورت گسترده از این مفهوم هم به عنوان علت انقلاب و هم به عنوان ضامن تداوم آن استفاده نموده اند و علاوه بر آنکه در مقام رهبرفکری و مربی جامعه نسبت به معرفی سنن الهی به مردم تلاش وافر داشته اند، در مقام سیاستمدار نیز نسبت به کاربست عملی آن اهتمام بسیار ورزیده اند. کلام ایشان مملو از تعابیر قرآنی، اشاره به روایات معصومین و عبرت گیری مکرر از تاریخ صدر اسلام است. اصطلاحاتی که ایشان به کار می‌برند کاملا متفاوت از تعابیر رایج در علوم انسانی سکولار است و رنگ و بوی آموزه‌های وحیانی دارد. اما از نظر ایشان چه باید کرد که حرکت رو به جلو انقلاب، تداوم داشته باشد؟

الف - توجه به منشا الهی انقلاب

استفاده ایشان از مفهوم سنن الهی به منظور تداوم انقلاب اسلامی و جلوگیری از حرکت بازگشتی از این نقطه آغاز می‌شود که پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه و استقرار نظام انقلابی جدید ناشی از شناخت صحیح از سنت الهی "نصرت" و رعایت صحیح و عمل به این سنت بوده که توفیق الهی را به همراه آورده است. «ما آزمودیم، تجربه کردیم که «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (رعد، ۱۱) خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند، و هرگاه خدا اراده کند که قومی را عقاب کند هیچ راه دفاعی نباشد و برای آنان هیچ کس را جز خدا یارای آنکه آن بلا بگرداند نیست. این را ما ملت ایران .. در عمل آزمودیم. در خودمان تغییر ایجاد کردیم. خدای متعال هم اوضاع ما را تغییر داد. عجیب هم این است که اگر ما یک قدم برداریم، خدا ده قدم بر می‌دارد. ما اندکی خودمان را تغییر دادیم، خدا مبالغی به ما کمک کرد، اوضاع ما را تغییر داد.» (آیت ...خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۴/۱۴).

البته خداوند هیچ تضمینی نداده که عنایتش را تداوم بخشد و خطر قطع لطف الهی و رجعت به دوران جاهلیت همواره وجود دارد. در صورت ارتداد به سنن جاهلی، لطف خداوند باز می‌گردد همانگونه که در مورد اقوام پیشین رخ داد: «روحیه دفاع از حق و مجاهدت در راه خدا را در خود حفظ کنید: اگر این روحیه در یک کشور وجود نداشته باشد، آن جامعه نابود خواهد شد یعنی شرف، عزت، استقلال و اتکاء به اراده خود را از دست خواهد داد و استبداد یا دخالت خارجی بر آن مسلط خواهد شد.» (آیت ا...خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۵)

ب - شکرگزاری موجب تداوم انقلاب

در حرکت رو به جلو، ضرورت دارد که قدر و قیمت انقلاب اسلامی به عنوان نعمت بزرگ و تحفه غیبی شناخته شود زیرا طبق سنت الهی، قدرناشناسی موجب سلب نعمت می‌شود: «بحث من پیرامون آیه‌ای است از قرآن که توصیه می‌کند حضرت موسی را ایام الله را به یاد بنی اسرائیل بیاورد.. ایام الله آیه هستند. نشانه راهنم برای کسانی که دو صفت را دارند. صبار یعنی کسی که سر تا پا استقامت و صبر است.. شکور یعنی کسی که نعمت را می‌شناسد و شکرگذاری می‌کند.. حضرت موسی این دستور را عملی می‌کند. به یاد آنها آورد نجاتشان از دست فرعونیان را. از دست قدرت ستمگر را، که چطور شما را نجات داد.. بعد دنباله این ندای عمومی پروردگار است، یعنی با صدای بلند، خدای متعال به همه اعلام می‌کند که اگر شکرگذاری کردید ما آن نعمتی که به شما دادیم روز به روز افزایش خواهیم داد، زیاد خواهیم کرد اما اگر کفران نعمت کردید. شکر را به جانیاوردید، مشکلات فراوانی است که برای شما پیش خواهد آمد.» (آیت ا...خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

ج - مقابله با زوال آرمانها

مقابله با زوال آرمانها، نیازمند مراقبت و فعالیت مستمر از سوی مسئولان، خواص و مردم است. اولین اقدام شناخت درس‌گیری از گذشته است: «برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهزان فکر و عقیده و

آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی توان شنید. «(آیت ا...خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

طبق سنت ابتلا، در راه رسیدن به آرمانهای متعالی سختی‌های بسیار در راه است و گریزی از آن نیست. «انسان همواره در معرض ابتلا و امتحان قرار دارد و تنها با رعایت و حفظ تقوا می تواند به خود مصونیت بخشد لذا هدف از توصیه‌های مکرر به رعایت تقوا در قرآن کریم و لزوم سفارش به تقوا در نمازهای جمعه، حفظ و حراست از ارزشهای معنوی مجاهدت‌های انسان است.» (آیت ا...خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۸)

در مسیر راه لغزشگاه‌های بسیاری چون ترس، تردید، احساس ضعف، و بروز انگیزه‌های ناسالم وجود دارد که موجب انحراف از مسیر آرمانها می شود: «مواردی است که به نظر من برای خودسازی لازم است. این کمک می کند به شما که از لغزشگاه‌ها راحت عبور کنید، سلامت عبور کنید. لغزشگاه‌هایی وجود دارد؛ ترس، یک لغزشگاه است، تردید، یک لغزشگاه است، احساس ضعف، یک لغزشگاه است، انگیزه‌های ناسالم، یک لغزشگاه است؛ لغزشگاه‌های زیادی سر راه ما وجود دارد، بخصوص برای فعالان مسائل اجتماعی؛ لذا اینها بیشتر به خودسازی احتیاج دارند و نیاز دارند که بنیه روحی و معنوی خودشان را قوی کنند. به نظر من وقتی بنیه روحی و معنوی شما قوی شد، هم در زمینه فکر، هم در زمینه تصمیم‌گیری، هم در زمینه عمل، توانایی‌های بیشتری پیدا خواهید کرد و ما در نسل جوان به اینها نیاز داریم.» (آیت ا...خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۲/۲۸)

بروز فتنه از مصادیق مهم سنت ابتلا است و راه مقابله با آن "بصیرت افزائی" است. فتنه از آن جهت اهمیت دارد که فریبنده است. ظاهر آن مانند حق است اما باطن آن حقیقت ندارد و تشخیص حق و باطل را دشوار می‌سازد: «آن وقتی که جنگ بدر هست، کار، دشوار نیست؛ آن وقتی که در میدانهای نبرد حاضر میشوند، با دشمنانی که مشخص است این دشمن چه میگوید، کار دشوار نیست. آن وقتی مسئله مشکل است که امیرالمؤمنین در مقابل کسانی واقع می‌شود که اینها مدعی اسلامند و معتقد به اسلام هم هستند؛ اینجور نبود که معتقد به اسلام هم نباشند، از اسلام برگشته باشند؛ نه، معتقدند به اسلام، راه را غلط می‌روند، هواهای نفسانی کار دستشان می‌دهد. این، مشکلترین وضع است که افراد را به شبهه می‌اندازد.» (آیت ا...خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۹/۲۲)

دست کم گرفتن توانائی‌های خود عامل بزرگ دیگری است که موجب زوال آرمان‌ها می‌شود. بدبینی به توانایی‌های خود، کفران نعمت الهی است و غفلت از امداد الهی و کمک سنت‌های آفرینش، فرو لغزیدن به ورطه‌ی (الظانین بالله ظن السوء فتح، ۶) است. ما می‌توانیم حلقه انحصارات علمی و اقتصادی و سیاسی قدرت‌های سلطه‌گر را بشکنیم و امت اسلامی را پیش رو احقاق حق اکثریت ملت‌های جهان که اینک مقهور اقلیت مستکبرند، باشیم. (ملایی، ۱۳۹۴: ۷۱).

نگرانی از کمی نفرات و امکانات از عوامل دلسردی از آرمانهاست. راه چاره یادآوری پیروزی هائی است که خداوند نصیب انقلاب فرموده است: «در دوران آغاز جنگ، این بیابانها را نیروهای متجاوز پر کرده بودند. تمام این سرزمین پاک و مظلوم و خونبار، در زیر چکمه متجاوزان بود و نیروهای مسلح و سازمانهای نظامی ما، همه تلاش خودشان را برای دفع و سرکوب دشمن می‌کردند. اما این جوانان با دست خالی به مقابله با دشمن می‌رفتند. آن روز شاید عده این جوانان، بیست، سی نفر بیشتر نبود. بیست الی سی جوانان با دست خالی؛ اما با دل استوار از ایمان و توکل به پروردگار. در این جا، در این بیابان‌ها، چند هزار تانک و نفربر زرهی از دشمن مستقر بود. آن جمع کوچک، برای مقابله با این جمع علی‌الظاهر بزرگ می‌آمد؛ با ایمان به خدا و با توکل؛ آن گونه که حسین بن علی علیه‌السلام، با جمع معدود، در مقابل دریای دشمن ایستاد، قلبش نلرزید، اراده‌اش سست نشد و تردید در او راه پیدا نکرد.» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

د - مقابله با ایجاد طبقه حاکمه مرفه و رها شدن فقرا به حال خود

از علائم دوران ترمیدوری، ایجاد طبقه حاکمه مرفه است که در عمل به آرمانهای انقلاب پشت کرده و به دنبال منافع خود است و تهیدستان را به حال خود رها می‌کند. آیت الله خامنه‌ای خودمراقبتی از سوی مسوولان و نهی منکر از طرف مردم را راه علاج موضوع می‌داند: «از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه گُند می‌کند، نمود اشرافی‌گری در مسوولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشرافی‌گری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافی‌گری، اسراف است - اشرافی‌گری حلال را می‌گوییم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و بحق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ‌سازی می‌کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه

درست می‌کند. البته در این زمینه مسؤولان درجه یک بسیار نقش دارند؛ منش من و شما هم بسیار نقش دارد.» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۶/۵)

ه - مقابله با لذت گرائی افراطی

طبق نظر بریتون فرورفتن جامعه در لذات و یژگی دوران ترمیدوری است و از نظر آیت الله خامنه‌ای، نهی از منکر علاج آن است: «یکی از مسائلی که عامل اصلی چنین قضیه‌ای (انحراف در صدر اسلام) شد، این بود که رواج دنیا طلبی و فساد و فحشا، غیرت دینی و حساسیت مسئولیت ایمانی را گرفت. این که ما روی مسئله فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می‌کنیم، یک علت عمده‌اش این است که جامعه را تخدیر می‌کند. همان مدینه‌ای که اولین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین موسیقیدانان و آوازخوانان و معروفترین رقاصان تبدیل شد؛ تا جایی که وقتی در دربار شام می‌خواستند بهترین مغنیان را خبر کنند، از مدینه آوازه خوان و نوازنده می‌آوردند.» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱۰/۵)

و - مقابله با حذف مردم از صحنه و بازگشت دیکتاتوری

در دوران ترمیدور، مردم کوچه و بازار از صحنه حذف شده و به آنها نقش تماشاگر واگذار می‌شود و در نهایت دیکتاتور به قدرت می‌رسد. به نظر آیت الله خامنه‌ای در صحنه نبودن خواص و مردم و ترک نهی از منکر علت این موضوع است که به حکم سنت الهی، موجب حاکمیت اشرار می‌گردد: «روایتی که می‌خوانم، روایت تکان دهنده و عجیبی است. می‌فرماید: «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْلُطَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شَرَّكُمْ فِدْعُو خِيَارِكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ»؛ (۱) باید امر به معروف و نهی از منکر را میان خودتان اقامه کنید، رواج دهید و نسبت به آن پایبند باشید. اگر نکرديد، خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر شما مسلط می‌کند؛ یعنی زمام امور سیاست کشور به مرور به دست امثال حجاج بن یوسف خواهد افتاد! همان کوفه‌ای که امیرالمؤمنین در رأس آن قرار داشت و در آنجا امر و نهی می‌کرد و در مسجدش خطبه می‌خواند، به خاطر ترک امر به معروف و نهی از منکر، به مرور به جایی رسید که حجاج بن یوسف ثقفی آمد و در همان مسجد ایستاد و خطبه خواند و به خیال خود مردم را موعظه کرد! حجاج چه کسی بود؟ حجاج کسی بود که خون یک انسان در نظر او، با خون یک گنجشک هیچ تفاوتی نداشت! به همان راحتی که یک حیوان و یک حشره را بکشند، حجاج یک انسان را می‌کشت. یک بار حجاج دستور داد و گفت همه مردم

کوفه باید بیایند و شهادت بدهند که کافرند و از کفر خودشان توبه کنند؛ هر کس بگوید نه، گردنش زده می‌شود! با ترک امر به معروف و نهی از منکر، مردم این گونه دچار ظلمهای عجیب و غریب و استثنایی و غیر قابل توصیف و تشریح شدند. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر نشود و در جامعه خلافتکاری، دزدی، تقلب و خیانت رایج گردد و بتدریج جزو فرهنگ جامعه شود، زمینه برای روی کار آمدن آدمهای ناباب فراهم خواهد شد.» (آیت...خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۲۵)

ز- فرجام راه روشن است

برخلاف انقلاباتی که دچار حرکت بازگشتی شدند آینده این انقلاب به حکم سنت خداوند روشن است مشروط بر آنکه ما به درستی وظیفه خود را بشناسیم و عمل کنیم زیرا وعده حتمی خداوند است که کسانی را که برای او قیام می‌کنند، پیروز کند: «اگر برای خدا پا در میدان گذاشتید و ایستادگی کردید، پیروزی قطعی است «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلْيَا وَلَا نَصِيرًا» (فتح، ۲۲) و اگر کافران با شما مسلمین به جنگ برخیزند، از قتال شما پشت گردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ ناصر و یآوری برای خود نیابند. این فقط مربوط به ماجرای جنگ صدر اسلام نیست که «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ، سنت الله است، .. بحث بر سر آنجایی است که «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» دیگر از این تاکید بالاتر نمی‌شود. اگر نصرت خدا بکنیم، .. لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ خدای متعال حتماً و قطعاً نصرت خواهد کرد. معنای لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ این است یعنی خدا حتماً و قطعاً نصرت می‌کند و اَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا و از خدا راستگوتر کیست؟» (آیت...خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹).

باید بر خدا توکل نمود. چون سنت الهی پیروزی متوکلین است: «راه توکل به خدا است؛ توکل کنید به خدا. وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (۱) خدای متعال خودش کفایت خواهد کرد، خودش کمک خواهد کرد. راه را درست انتخاب کنید، هدف را درست انتخاب کنید و بعد «فَلذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ»؛ (۲) با استقامت جلو بروید؛ راهش این است. در مقابل کارشکنی، در مقابل وسوسه، در مقابل اذیت کردن و جوسازی کردن و مانند اینها، تنها راه مهم و مؤثری که وجود دارد عدم انفعال و ادامه راه و استقامت است.» (آیت...خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۴/۷)

پیروزی به سرعت به دست نمی‌آید. نیاز به صبر است که البته صبر به معنی تحمل توام با چاره اندیشی است: «خداوند برای مقابله با دشمنی‌ها به پیغمبر دستور العمل داد؛ از اول

بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد.. صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظار نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را و محاسبات دقیق خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیری اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود - همچنان که در قرآن هست «أمرهم شوریٰ بَيْنَهُمْ» (۴) - قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد. .. صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن، که آن وقت در قرآن میفرماید: ان یکن منکم عشرونَ صُبرونَ یغلبوا مائتین؛ (۵) ده نفر شما با صد نفر و بیست نفر شما با دویست نفر از آنها می‌توانید روبه‌رو بشوید و غلبه کنید؛ این در یک شرایطی است؛ در یک شرایطی ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، می‌توانید شما با آنها مواجه بشوید. «(آیت... خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۳)

ملت ایران، خصوصاً جوانان تاکنون به تکالیف الهی خوب عمل کرده اند: «بنده البتّه با قاطعیّت عرض میکنم که ملت ایران ملت صبری است؛ نشان داده‌اند که صبر دارند. ما مسئولین البتّه گاهی بی‌صبری کرده‌ایم، ولی ملت نه؛ ملت کاملاً صبور بوده‌اند؛ این چهل سال برای ما نشان این معنا است به طور روشن. بعضی از روشنفکرانهای ما هم متأسفانه بی‌صبری از خودشان نشان دادند، بعضی از آنها بی‌صبری را به مرز همکاری و هم‌زبانی با دشمن هم رساندند؛ البتّه بعضی‌ها این جور بودند. نقطه مقابلش هم جوان‌های مؤمنی هستند که بحمدالله عده‌شان خیلی زیاد است و روزبه‌روز هم ان‌شاءالله زیادتر می‌شود؛ در عرصه فرهنگ، در عرصه علم، در عرصه فناوری، در عرصه سیاست، در فهم بین‌المللی مسائل - یعنی مسائل بین‌المللی را درست درک کنند و فهم کنند - در مقابلش این جور جوانها هم هستند که عرض کردم بحمدالله روزبه‌روز زیاد می‌شوند.» (آیت... خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

ح- توقف ناپذیری سنت هدایت

اگرما بر مسیر حق پایدار نمایم، سنت هدایت الهی قطع نمی‌شود، بلکه قومی بهتر جایگزین ما خواهند شد، همانگونه که در گذشته نیز چنین شده است. بنابراین هرچند نباید از سنت مکر الهی غافل بود اما سنت هدایت، آینده روشنی را نوید می‌دهد. رویش نیروهای جدید در انقلاب از مصادیق این تداوم سنت هدایت است: «بعضی از دلها .. نمی‌توانند

..حرکت را ادامه دهند؛ قرآن از اینها تعبیر کرده است به: «من یرتدّ منکم عن دینه». ارتداد، به طور مطلق همه جا به معنای برگشتن از دین نیست؛ معنایش این است که از آن راهی که در گذشته میرفت، برمیگردد. عده‌ای در انقلاب ما هم بوده‌اند، در صدر اسلام هم بودند؛ راهی را که در کنار پیغمبر حرکت میکردند، ادامه ندادند؛ اما آیا راه متوقف ماند؟ قافله حرکت می‌کند: «فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه»؛ رویشانی به وجود خواهد آمد. یکی از این رویشها، خود شما جوانها هستید. شما که دوران جنگ را، امام را ندیدید، .. اما امروز سرتاسر کشور اسلامی و انقلابی ما از روحیه ایستادگی و ثبات و افتخار و احساس عزت، لبریز است.» (آیت...خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲)

نتیجه گیری

در این مقاله نشان داده شد که به‌رغم قول مشهور، حضرت آیت الله خامنه‌ای احتمال وقوع حرکت بازگشتی در انقلاب اسلامی ایران شبیه آنچه بریتون مطرح نموده را به هیچ وجه دست کم نمی‌گیرند و مکرر نسبت به آن هشدار داده‌اند با این تفاوت که با بهره‌گیری از مفهوم قرآنی سنن الهی نشان می‌دهند که این روند قابل پیش‌گیری است و راهکارهای متنوعی از تهذیب فردی، تهذیب اجتماعی، پرهیز از خودباختگی و یاس و ترس و تشویق به تحمل توأم با چاره‌اندیشی و تلاش و مجاهدت و توکل را ارائه می‌فرمایند که ترکیبی بسیار جذاب از جامعه‌شناسی اثبات‌گرایانه با تفسیر، اخلاق، کلام و عرفان و سیاست اسلامی است و در مجموع منظومه‌ای منحصر به فرد و زیبا به وجود می‌آورد که این ابتکار نظری ایشان می‌تواند به عنوان الگویی زیبا برای نظریه پردازی در زمینه علوم اسلامی - انسانی قرار گیرد. اما آنچه مجهول مانده این است که هرچند در یک تحلیل منصفانه انقلاب اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها مانند ایجاد امنیت، قدرت نظامی، تعمیق نفوذ استراتژیک، تحریک بیداری اسلامی و ایجاد احساس خودباوری و عزت نفس در مسلمین و همچنین ایجاد مشارکت سیاسی گسترده و واقعی دستاوردهای عالی و بی‌نظیر داشته‌اند اما در برخی زمینه‌های دیگر علی‌الخصوص اقتصاد و فرهنگ، علی‌رغم صبر و پایداری و مجاهدت خالصانه چهل ساله و مثال زدنی مردم ایران، عملکرد آن رضایت‌بخش نبوده و در طراز انقلاب اسلامی نیست هرچند که پیشرفت‌های خوبی نیز داشته‌است. اینک با این سوال ریشه‌ای مواجهیم که ملتی که با شناخت سنن الهی توانسته در زمینه‌های بسیار دشوار سیاست خارجی و امنیتی و نظامی به این حد عالی از پیشرفت برسد، چگونه در زمینه اقتصاد و فرهنگ تا این حد گرفتار

مشکلات است . علت این رشد نامتقارن چیست و غفلت از کدام سنن الهی و از سوی چه کسانی موجب این رشد نامتقارن شده و راه چاره چیست؟ پاسخ به این گونه سوالات می تواند موضوعاتی شایسته برای پژوهش های آتی باشد.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم، ترجمه ی آیت الله مکارم شیرازی
- آقابخش، علی، افشاری راد، مینو (۱۳۷۹) **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: نشر چاپار
- برنتون، کریین (۱۳۸۵) **کالبد شکافی چهار انقلاب**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات زریاب
- بلدیکی، نورمن (۱۳۹۱) **پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی**، ترجمه سید حمید رضا حسینی، محمدتقی ایمان، مسعود ماجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰) **روشهای تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- صدر، محمد باقر (بی تا) **سنت‌های تاریخ در قرآن**، موسوی، جمال، انتشارات روزبه، تهران
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) **تفسیر المیزان**، ترجمه موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- عشقی، لیلی (۱۳۹۵) **زمانی میان زمانها (امام، شیعه و ایران)**، مترجم: احمد نقیب زاده، تهران: نشر فلات
- کوهن، تامس ساموئل (۱۳۹۴) **ساختار انقلابهای علمی**، ترجمه سعید زیا کلام، تهران، انتشارات سمت
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰) **جامعه و تاریخ از نگاه قرآن**، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰) **تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی**، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران، کتابسرا
- ب: مقالات
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۲) **سیر اندیشه دینی**، مصاحبه، **مجله کیان**، شماره ۲
- درخشه، جلال، آقایی، محمد، فتحی مهر، محمدرضا (۱۳۹۶) **آفاق تمدن نوین اسلامی در سپهر اندیشه ی آیت الله خامنه‌ای**، **فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی**، سال هفتم، بهار، شماره ۲۲
- شبنان نیا، قاسم (۱۳۹۱) «ارزیابی نظریه چرخش انقلابها و تطبیق آن بر انقلاب اسلامی»، **معرفت سیاسی**، شماره ۲
- معینی پور، مسعود، غر سبان، مرتضی (۱۳۹۸) **نقش سناریوی نفوذ در بازگشت پذیری انقلاب اسلامی (با تاکید بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای)** **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۹، شماره ۲
- سایت Khamenei.ir